

دکتر رابرت ای. پترسون، کلیسا و آخرالزمان

جلسه ۱۷، هزاره، مکاشفه ۲۰: ۴-۶

پیشاهزاره‌گرایی تدبیرگرایانه و سه موضع ربوده شدن

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر رابرت ای. پترسون هستم در تدریسش در مورد آموزه‌های کلیسا و آخرالزمان. این جلسه ۱۷، هزاره، مکاشفه ۲۰: ۴-۶، پیشاهزاره‌گرایی تدبیری، و سه موضع ربوده شدن است.

ما به مطالعاتمان در مورد آخرالزمان ادامه می‌دهیم و از خداوند یاری می‌طلبیم.

ای پدر مهربان، از تو سپاسگزارم که پسرت را فرستادی تا نجات‌دهنده‌ی جهان، حتی نجات‌دهنده‌ی ما، به لطف و از طریق ایمان باشد. از تو سپاسگزارم برای وعده‌های او و رسولان در مورد آینده. به ما کمک کن تا به کلام تو و آن وعده‌ها ایمان داشته باشیم.

باشد که اکنون که تو اراده کرده‌ای، آنها بر زندگی ما تأثیر بگذارند. ما به واسطه عیسی مسیح، پروردگاران و پادشاه آینده، دعا می‌کنیم. آمین. ما هزاره را از مکاشفه فصل ۲۰، آیات ۱ تا ۶ مطالعه کرده‌ایم و تأکید کرده‌ایم که چهار موضع مختلف هزاره‌گرایی، ناهزاره‌گرایی، پساهزاره‌گرایی، پیشاهزاره‌گرایی تاریخی و پیشاهزاره‌گرایی تدبیری، اشتراکات مهم‌تری نسبت به تفاوت‌هایشان دارند، اگرچه اختلافات مشروع، دیرینه و احتمالاً لاینحلی دارند.

آنها بر سر چیزی که من آن را چهار حقیقت می‌نامم، چهار آموزه بنیادی در مورد آخرین چیزهایی که مسیحیان همیشه به آنها اعتقاد داشته‌اند و من فکر می‌کنم ما باید آنها را حفظ کنیم، بر آنها تأکید کنیم و خدمات خود را حول آنها بسازیم، در حالی که هنوز به چیزهایی که اهمیت کمتری دارند، از جمله هزاره، فکر می‌کنیم مخفف بازگشت مسیح، ظهور دوم R. خلاصه شده‌اند RULE موافقت. این چهار حقیقت در کلمه اختصاری است که کل کمال اعصار را آغاز می‌کند.

برای اینکه این مخفف درست کار کند، نتوانستم دو «ر» کنار هم بگذارم، بنابراین رستاخیز مردگان با حرف اضافه طنز «بالا» به همراه یک علامت تعجب نشان داده شده است. بازگشت مسیح، بالا، نشان دهنده مخفف سرنوشت‌های ابدی یا بهشت و جهنم است، به طور E مخفف آخرین داوری است و L. رستاخیز خاص‌تر، آسمان‌های جدید و زمین جدید و جهنم ابدی.

و همه مؤمنان از قرن بیستم تا بیستم و یکم، آن چهار حقیقت را به طور مشترک پذیرفته‌اند. و باز هم، اگر می‌توانستم این نمودارهای هزاره را روی هم قرار دهم، در آن چهار زمینه یکسان بودند. بازگشت مسیح، قیام، رستاخیز مردگان، داوری نهایی، سرنوشت‌های ابدی.

با این وجود، افراد خوب مخالفند، و ما با ناهزاره‌گرایی کار کرده‌ایم، که هزاره را به عنوان یک پادشاهی زمینی آینده نمی‌بیند. اوه، به یک پادشاهی زمینی آینده، یعنی دولت ابدی و آسمان‌های جدید و زمین جدید برای همیشه اعتقاد دارد. اما هزاره مکاشفه ۲۰، یک تا شش، را به عنوان سلطنت فعلی مسیح با قومش در بهشت تفسیر می‌کند.

پس‌هزاره‌گرایی، که اشتراکات زیادی با ناهزاره‌گرایی دارد، می‌گوید مسیح پس از هزاره می‌آید، درست مانند ناهزاره‌گرایی. اما هزاره به عنوان یک پادشاهی زمینی با مدت زمان طولانی تصور می‌شود، اما نه با بازگشت فاجعه‌بار مسیح که پادشاهی را به یکباره به ارمغان می‌آورد. اما پس‌هزاره‌گرایی نمونه‌ای از تدریجی‌گرایی است.

پادشاهی به تدریج، نه به طور یکنواخت، و همیشه با افزایش، با فراز و نشیب‌ها گسترش می‌یابد، اما در کل افزایش می‌یابد و تا جایی پیش می‌رود که زمین مسیحی می‌شود. ما پس‌هزاره‌گرایی معتقد به انجیل را از پس‌هزاره‌گرایی سکولار بی‌اعتقاد متمایز می‌کنیم. پس‌هزاره‌گراهای معتقد، که در واقع زبان را می‌چرخانند، معتقدند که از طریق موعظه انجیل است که پادشاهی گسترش خواهد یافت.

پیش‌هزاره‌گرایی، همانطور که از نامش پیداست، به چیزی گفته می‌شود که قبل یا بعد از آن است، که همان بازگشت مسیح است. مسیح قبل از هزاره می‌آید، و در واقع، آمدن او علت هزاره است؛ برخلاف تدریجی‌گرایی. پس‌هزاره‌گرایی، پیش‌هزاره‌گرایی هم در جلوه‌های تاریخی و هم در جلوه‌های تدبیری خود، فاجعه‌بار است. بازگشت عیسی آغازگر پایان عصر است و سایر عناصر به سرعت از آن پیروی می‌کنند.

پیش‌هزاره‌گرایی تاریخی به این پنج سوال اینگونه پاسخ داد. سلطنت مسیح بر زمین، هزاره چیست؟ این سلطنت آینده مسیح بر زمین به مدت هزار سال است، یا اگر بخواهیم به زبان نمادین صحبت کنیم، مدت زمان بسیار بسیار طولانی پس از بازگشت او و قبل از دولت ابدی، آسمان‌های جدید و زمین جدید. هزاره به عنوان زمان لازم برای تحقق پیشگویی‌های خاص عهد عتیق که به آسمان‌های جدید و زمین جدید نمی‌رسند، در نظر گرفته می‌شود.

بنابراین پیش از میلاد بین متون طلائی و متون پلاتینی تمایز قائل می‌شوند. برخی از متون تعلیم می‌دهند که در آخرالزمان، زمانی که مسیح، زمانی که خدا حکومت می‌کند، هنوز مرگ وجود خواهد داشت. مطمئناً آن آسمان‌های جدید و زمین جدید نخواهد بود؛ آن پادشاهی هزار ساله زمینی پیشین خواهد بود، و متون پلاتینی، به اصطلاح، از آسمان‌های جدید و زمین جدید صحبت می‌کنند.

و در همین راستا، پیش‌آسیاب‌ها این را یک تمایز واقعی در عهد عتیق می‌دانند. و بنابراین، از اواسط اشعیا ۶۵، که از آسمان‌های جدید و زمین جدید صحبت می‌کند، پیش‌آسیاب‌ها از اشعیا ۶۵، هر چه که باشد، ۱۷ تا انتهای آن فصل را در نظر می‌گیرند تا از آن به عنوان یک عصر طلائی، عصر طلائی، بهتر از گذرگاه طلائی صحبت کنند. عصر طلائی هزاره است و سپس اشعیا ۶۶، در اواخر، وقتی دو بار از آسمان‌های جدید و زمین جدید صحبت می‌کند، پیش‌آسیاب‌ها آن را در واقع یک پلاتین، حکومت پلاتین، پادشاهی پلاتین می‌دانند.

و آن آسمان‌های جدید و زمین جدید است. اتصال شیطان به پیش‌آسیاب‌های تاریخی به این معنی است که او قادر به فریب ملت‌ها در طول پادشاهی هزاره آینده نخواهد بود. زمان بازگشت مسیح قبل از هزاره به عنوان پیش‌هزاره‌گرایی، همانطور که از نامش پیداست، آمدن دوم، یک رویداد واحد است، اما با این حال دو رستاخیز وجود دارد.

اگر کتاب مقدس را با هرمنوتیک تاریخی، به گفته‌ی آنها، تفسیر تحت‌اللفظی و دستوری، تفسیر کنید، کاملاً واضح است. مکاشفه ۲۰:۶ دو رستاخیز را بیان می‌کند. از زبان یکسانی استفاده می‌کند و آنها دو بار از زائو حزبان زنده شدند. آیا منظورتان این است که در فضای چند آیه، دو معنی متفاوت دارد؟ باید بگویم آیات ۴ و ۵ از مکاشفه ۲۰.

بله، باید بگویم که دقیقاً منظور ما همین است. مثل یوحنا ۵ است که اول از همه، عیسی در حدود آیات ۲۴ و ۲۵ می‌گوید که رستاخیز روحانی وجود دارد. افرادی که از طریق موعظه عیسی به پدر ایمان می‌آورند، از مرگ روحانی به حیات روحانی می‌رسند.

با کلام عیسی، آنها زنده می‌شوند. چند آیه بعد، یوحنا ۵:۲۷ تا ۲۹-اوایل، رستاخیز جسمانی مردگان است. دقیقاً در مکاشفه ۲۰ نیز به همین صورت است.

مقدمات می‌گویند که چنین نیست. هر دو رستاخیز جسمانی هستند، و بنابراین، در اینجا در پایان داستان کتاب مقدس، برای اولین بار، این با وحی آشکار خدا در الهیات کتاب مقدس مطابقت دارد.

یک لحظه صبر کنید، امیل‌ها و پست‌میل‌ها می‌گویند. منظورتان این است که در تمام طول کتاب مقدس رستاخیز عمومی صالحان و شریان وجود دارد، و حالا در مکاشفه ۲۰، ناگهان، شما تمایز قائل می‌شوید؟ دقیقاً، پیشگامان می‌گویند. الهیات کتاب مقدس گاهی اوقات اینگونه عمل می‌کند.

اگر به نظر می‌رسد که ما در یک مخمصه هستیم و قرار نیست به توافق برسیم، کاملاً درست است. و قبلاً هم به شما گفتم، استنلی گرنز، در کتاب مفیدش، هزارتوی هزاره، به طرق مختلف به من کمک کرد. از آنجایی که شما مشتاق دانستن هستید، زیارت او مانند زیارت من است.

همچنین باید بگویم که امیدوارم نگرش خوب او مانند من باشد. او برادران و خواهران را با نتیجه‌گیری‌های متفاوت می‌پذیرد. او یک پیشاهزاره‌گرای تقدیرگرا بود، و سپس با پیشرفت زیارتش، به یک پیشاهزاره‌گرای تاریخی تبدیل شد و در نهایت، یک آملی شد.

می‌توانم بگویم که او در هیچ یک از آن دوره‌ها دوستانه و نه خشن بود. در هر صورت، پیشاهزاره‌گرایی تدبیرگرایانه، مانند بسیاری از ویژگی‌های پیشاهزاره‌گرایی تاریخی، اما تفاوتی نیز وجود دارد. ما برای هر یک از این موقعیت‌ها شایستگی‌هایی قائل شده‌ایم، و برای این مورد، چارلز رایبری یک مرد مسیحی برجسته با شهادت خوب بود، و همانطور که بلیزینگ و باخ در کتابشان، تدبیرگرای متری، نشان می‌دهند، او تدبیرگرای را در جهت بسیار سالم پیش برد.

درباری چیزهای خاصی را آموزش داد. لوئیس فری چفر برخی از دیدگاه‌های تقدیرگرایانه خود را بهبود بخشید. رایبری پیشرفت‌های بزرگی کرد، پیشرفت‌های بزرگی نسبت به دیدگاه‌های قبلی.

برای مثال، در کالج کتاب مقدس به من آموخته شد که عیسی در کتاب متی پادشاهی هزار ساله را پیشنهاد داد و اگر یهودیان آن را پذیرفته بودند، عیسی به صلیب نمی‌رفت. وای! رایبری می‌گوید اشتباه است. اگر آنها آن را پذیرفته بودند، مسلماً عیسی به صلیب می‌رفت.

این هدف اصلی آمدن اوست. او در این مورد از یک گلوله جاخالی داد. این یک پیشرفت بسیار مهم است.

به هر حال، من توسط افراد خوبی که عاشق خداوند هستند، آموزش دیدم و احتمالاً همه معلمان من در کالج کتاب مقدس فیلادلفیا در دهه 1970 موافق نبودند که موعظه بالای کوه برای امروز کاربرد ندارد. این اخلاق برای پادشاهی هزاره آینده بود. دیگر اینطور نیست.

خب، جان مک‌آرتور، دیندار محبوب و تقدیرگرا، کتابی در مورد موعظه بالای کوه دارد که برای مسیحیان در این سن کاربرد دارد. پس، الهیات‌ها توسعه می‌یابند. همیشه برای همیشه؟ اوه نه، اوه نه.

نمونه‌هایی از الهیات‌هایی وجود دارد که در جهت بسیار ناباورانه یا لیبرال، یا در جهت‌های گیج‌کننده، یا از دست دادن شور و شوق خود برای مهم‌ترین چیزها حرکت می‌کنند، اما به نظر من، دیسپنشنالیسم در جهت بسیار سالم حرکت کرده است. دیسپنشنالیست‌هایی که با دیسپنشنالیسم مترقی مخالفند با من مخالفند، اما

من دوستان فوق‌العاده‌ای در مدرسه الهیات دالاس، احتمالاً مرکز جهانی الهیات دیسپنشنالیسم، دارم و آنها با من در پایبندی به عنوان یک متکلم عهدگرا، به عنوان دیسپنشنالیست‌های مترقی، موافق هستند. مهمترین چیزی که باید در مورد کتاب مقدس و داستان آن گفت این است که یک پیمان فیض فراگیر وجود دارد که کتاب مقدس را متحد می‌کند، و شنیدن این موضوع واقعاً دلگرم‌کننده است.

به هر حال، مقدمات تدبیری. چارلز رایبری، جان والورد، که به خاطر کتاب‌های آخرالزمانی‌اش مشهور است، و سپس معماران تدبیرگرایی جدید، داریل باخ و کریگ بلیزینگ، محققان بسیار توانمندی بودند. من اخیراً از کتاب باخ، «چهره‌هایی از عیسی»، خلاصه‌ای از داستان و آموزه‌های عیسی از انجیل‌های هم‌نوا از هر چهار انجیل، لذت بردم.

او به طور کلی به انجیل‌های هم‌نوا می‌پردازد، و سپس یوحنا، که فوق‌العاده است، همانطور که یکی از دوستان محقق عهد جدید من گفت، سال‌ها آرزوی کتابی را داشتم که این کار را به خوبی انجام دهد. ما آن را داریم. دارل باخ و کریگ بلیزینگ.

آنها مردان مسیحی برجسته‌ای هستند که خداوند را دوست دارند و با کسانی که با آنها مخالفند، برخورد خوبی دارند. وای، من از این بابت خوشحالم. آنها چهار حقیقتی را که بر آنها تأکید کردم، باور دارند.

آنها همچنین تقدیرگرا هستند و من دوست دارم آنها را در مورد جزئیات خاصی مورد پرسش قرار دهم زیرا اگر برخی از این موارد را اصلاح کرده باشند، تعجب نخواهم کرد. اما اول از همه، هزاره. این با پیشاهزاره‌گرایی تاریخی مطابقت دارد.

هزاره، پادشاهی زمینی آینده است که با بازگشت مسیح محقق می‌شود. از این رو، هزاره، بازگشت مسیح پیشاهزاره‌ای است. آنچه پیش یا پس از هزاره است، بازگشت مسیح در مقابل هزاره است، اما تقدیرگرایان به پیشاهزاره‌ای‌گرایی تاریخی، یک شخصیت یهودی برای هزاره با معابد و قربانی‌های بازسازی‌شده اضافه می‌کنند. این چیزی است که من می‌خواهم از تقدیرگرایان پیشرو و پیشرو بیرسم، زیرا فکر می‌کنم کتاب عبرانیان به سادگی چنین اجازه‌ای نمی‌دهد.

دو و سه، بستن شیطان به این معنی است که او نمی‌تواند جلوگیری کند؛ او نمی‌تواند ملت‌ها را در طول پادشاهی هزار ساله آینده فریب دهد. به یاد داشته باشید، اومنیلز و پستمیلز گفتند، نه، نه. متن دلیل اعطای بستن عظیم به او را بیان می‌کند.

او را زندانی کرده‌اند، و دستبند زده‌اند و یک صندلی جلویش گذاشته‌اند. منظورم این است که، فوق‌العاده است. زبان صحافی فوق‌العاده‌ای دارد.

بی. پی. وارفیلد محقق فوق‌العاده‌ای است، و وارفیلدهای زیادی در اطراف ما وجود ندارند؛ او به هر دو زبان کتاب مقدس تسلط داشت، منظورم این است که تسلط داشت، خود را وقف کتاب مقدس، آموزه‌های کتاب مقدس کرد. تنها دلیلی که او یک الهیات سیستماتیک نوشت این است که حاج قبلاً این کار را کرده بود. او می‌توانست مشهور جهانی شود، اما همسرش یک بیماری لاعلاج داشت و او حاضر نبود او را ترک کند.

به هر حال، وارفیلد به زبان فوق‌العاده‌ی مهار شیطان در مکاشفه ۲۰ اذعان کرد و گفت که او زنجیری طولانی دارد. به طور خاص، و به گفته‌ی پستمیلز، تمام آن زبان مهار، هدف آن را بیان می‌کند تا او دیگر ملت‌ها را تا پایان هزار سال فریب ندهد. خوب، هزار سال برای آمیلز عصر کلیسا است و شیطان قادر نیست اکنون گسترش انجیل را به گونه‌ای که قبلاً هرگز به جهان نرفته است، ارائه دهد.

نه، پرمیلز می گوید، ما در این زمینه محدود شده ایم. جهان گفتمان این متن است، نه کل آن؛ البته، کل کتاب مقدس است، اما به طور خاص تر، در مورد پادشاهی هزار ساله زمینی آینده صحبت می کند. دوباره می گویم: گرنز درست می گوید.

تفسیر احزاب مختلف ثابت است. ما در آن گیر افتاده ایم. قرار نیست به توافق برسیم.

من عاشق روحیه گرنز هستم؛ با این حال، در همان کتاب، هزارتوی هزارساله، او می گوید تفسیر متفاوت است. زبان من، تفسیر متناقض از همان متن، نمی تواند درست باشد. این قانون عدم تناقض را نقض می کند.

الف و الف منفی، که در آن الف نماد یک چیز است، نمی توانند همزمان و به یک شکل درست باشند. با این وجود، گرنز می گوید، ما می توانیم از هر یک از مواضع نسل هزاره درس بگیریم. اوه، موافقم.

موافقم. قطعاً، پیشاهزاره گرایی پیشاتقدیری می گوید ظهور دوم، ببخشید، دو و سه

سوم، زمان بازگشت مسیح است، مانند پیشاهزاره گرایی تاریخی، پیشاهزاره گرایی تدبیری. از آنجایی که پیش از هزاره است، می گوید آمدن او پیش از هزاره است.

با این حال، تفاوت دیگری نیز وجود دارد و آن تفاوت در اینجا با هر سه موضع دیگر است. برخلاف پسا و تاریخی، پیشاهزاره گرایی تدبیرگرا به طور منحصر به فردی می گوید که آمدن دوم در A، پیشاهزاره گرایی دو مرحله رخ خواهد داد. بنابراین، تدبیرگرایان بین عبارات مربوط به ربوده شدن، که در آن عیسی می آید تا کلیسا را قبل از هفت سال مصیبت بزرگ بر روی زمین از جهان خارج کند، و عبارات مربوط به آمدن دوم، که از آمدن مسیح به زمین پس از مصیبت و قبل از هزاره صحبت می کنند، تمایز قائل می شوند.

یک بار دیگر. آمدن دوم در دو مرحله اتفاق خواهد افتاد. مرحله اول، ربوده شدن کلیسا قبل از دوران مصیبت بزرگ، بنابراین کلیسا از آن زمان مصیبت یعقوب، زمان مصیبت بی سابقه در تاریخ جهان، در امان می ماند، دانیال ۱۲، متی ۲۴.

آنها بین ربوده شدن و آمدن دوم به معنای واقعی کلمه، که می توانیم آن را آمدن به زمین بنامیم، تمایز قائل می شوند. ربوده شدن در هوا رخ می دهد، کلیسا به بالا می رود و از جهان برده می شود. آمدن دوم به زمین، که با ربوده شدن در هوا متمایز است، پس از دوران مصیبت و قبل از هزاره اتفاق می افتد.

اومنیل ها و آسیاب های پسین یک رستاخیز عمومی دارند. آسیاب های تاریخی دو رستاخیز دارند. پیش آسیاب های تدبیری سه رستاخیز دارند.

بیا بید به نمودار خود نگاهی بیندازیم. مانند سایر موقعیت ها، این مسیحیت انجیلی است، بنابراین با مرگ رستاخیز و عروج مسیح شروع می کنیم. دو مرحله از ظهور دوم.

ربوده شدن کلیسا، من قصد دارم به طور خلاصه، فقط به موقعیت های مختلف ربوده شدن و زیرمجموعه های آنها از پیشاهزاره گرایی بپردازم؛ من فقط برچسب ها را ارائه می دهم، ربوده شدن قبل از مصیبت، اواسط مصیبت یا پس از مصیبت. ما تا یک دقیقه دیگر آنجا خواهیم بود، اما مسیح با مؤمنان مرده، رستاخیز یافته و زنده در هوا ملاقات می کند و به آسمان بازمی گردد. ربوده شدن مانند سه موقعیت دیگر به زمین باز نمی گردد.

من اشاره کردم که این موضوع این دیدگاه را رد نمی‌کند، اما کلمه ملاقات با خداوند در هوا از اول تسالونیکیان در ادبیات معاصر کتاب مقدس در همان منطقه کلی به هر حال، دوره زمانی، توسط نمایندگان یک شهر - ۴ دولت، یک نهاد سیاسی که از مرز عبور می‌کنند تا از یک مقام عالی‌رتبه، مثلاً یک شاهزاده یا یک پادشاه استقبال کنند و آنها را به قلمرو خود بدرقه کنند، استفاده می‌شود. از این رو، ملاقات با خداوند در هوا امکان‌پذیر است، به این معنی که مؤمنان مرده زنده می‌شوند، زندگان دگرگون می‌شوند، آنها برای ملاقات با مسیح به آسمان می‌روند و آنها، به عنوان شهروندان شهر، او را در بازگشت به زمین همراهی می‌کنند. آیا این ثابت می‌کند که این اشتباه است؟ خیر.

صرفاً می‌گوید که مجاز است؛ حتی شواهدی از چنین استفاده‌ای از آن فعل برای ملاقات با خداوند در هوا وجود دارد. به نوعی، فکر می‌کنم اسمی است که شاید به صورت کلامی با یک حرف اضافه کار می‌کند. در هر صورت، مهم نیست.

تمایز بین ربوده شدن کلیسا و آمدن دوم به زمین. فقط در پیشاهزاره‌گرایی تدبیرگرایانه، کلیسا از مصیبت بزرگ در امان می‌ماند، زیرا از جهان ربوده شده است، حداقل در تدبیرگرای جریانی اصلی. موضوع پیچیده می‌شود.

فکر می‌کنی پیچیده‌ست، بدتره. من دارم ساده‌اش می‌کنم. اشکالی نداره چون چهار حقیقت رو در نظر داشته باش.

صفحات شفاف را روی هم قرار دهید. ما موافقیم که عیسی بازمی‌گردد، مردگان زنده می‌شوند، داوری نهایی انجام می‌شود و آنها سرنوشت‌های ابدی خواهند بود. این چیزی است که من روی آن ایستاده‌ام.

این چیزی است که من روی آن تأکید می‌کنم. آیا من نگران این موضوع هستم؟ بله. آیا من نظر خودم را دارم؟ بله.

آیا من به مسیحیان دیگری که در محل هستند و با من مخالفند شلیک می‌کنم؟ نه. کمی صبر کنید. هزاره یهودی است؛ حداقل، این نظری بوده که من خوانده‌ام.

اگر برخی از متکلمان دقیق کتاب مقدس در این سنت، یهودی بودن آن هزاره را کنار بگذارند، تعجب نخواهم کرد. من فکر می‌کنم کتاب عبرانیان مانع از دیدگاه بازسازی معبد می‌شود. این یک تفسیر تحت‌اللفظی از عهد عتیق است که قبلاً بر اساس آن، دوره تدبیر الهی بنا می‌شد.

دیسپنسیشنسم مترقی از یک جلسه پیش از جلسه انجمن الهیات انجیلی، به ویژه دوره‌های جدیدتر، اما نه تنها، که در آن هرمنوتیک تاریخی و محکم دیسپنسیشن را شکستند، ناشی شد. کلیسا و اسرائیل همیشه متمایز هستند. نه، آنها گفتند، غلاطیان ۶، اسرائیل خدا در آن زمینه غلاطیان، از کلیسا صحبت می‌کند.

و آنها موافقت کردند. همه موافق نبودند، اما مترقی‌ها موافق بودند، و این در را باز کرد. بنابراین اکنون می‌گویند که هنوز تمایز اسرائیل و کلیسا در عهد جدید وجود دارد، و این جوهره دیسپنسیشنالیسم است.

اما امل‌ها درست می‌گویند. گاهی اوقات، کلیسا از عهد جدید به عنوان اسرائیل معنوی یاد می‌کند. بنابراین، من از این امتیاز قدردانی می‌کنم.

داوری نهایی، آسمان‌های جدید و زمین جدید، سنت‌های قدیمی هستند. سه رستاخیز. آمل‌ها و پستمیل‌ها. یک رستاخیز عمومی دارند.

پریمیل‌ها، که بر اساس مکاشفه ۲۴ تا ۶ هستند، دو تا دارند. یکی قبل از هزاره، یکی بعد از آن. دیسپنسیشنالیست‌ها، با اضافه کردن ربنده شدن، سه تا دارند.

اول تسالونیکیان ۴ مشکل تسالونیکیان را حل می‌کند. برخی از برادران و خواهران ما مردند. آیا آنها از این فرصت محروم خواهند ماند؟ نه، نه، نه. آنها ابتدا زنده خواهند شد و ما با هم به آسمان خواهیم رفت و خداوند را ملاقات خواهیم کرد.

این یک رستاخیز است. مورد دوم، از آنجایی که هزاره مربوط به یهودیان است، رستاخیزی از مقدسین عهد عتیق و مقدسین دوران مصیبت، یعنی یهودیان، وجود دارد، زیرا کلیسا پیش از هزاره یهودی ربنده شده است. رستاخیز، من منظورم را اشتباه متوجه شدم، رستاخیز مؤمنان قبل از ربنده شدن، زمانی که عیسی در آسمان، در هوا می‌آید.

مقدسین کلیسا، نه مقدسین عهد عتیق. ربنده شدن برای مقدسین کلیسا است، نه مقدسین عهد عتیق. آنها قبل از هزاره قیام کردند.

این با این موضوع مطابقت دارد. این یک اقتصاد یهودی است و طبق تفسیر پیش از هزاره، مردم در طول دوران مصیبت نجات می‌یابند. آنها همچنین برای شرکت در هزاره یهودی برانگیخته می‌شوند.

بنابراین، رستاخیز همه مردگان در روز قیامت، عمدتاً مربوط به کافران است. اجازه دهید کمی با نکته گرنز آشنا شوم. چند بار این چهار حقیقت را گفته‌ام؟ دیگر تکرار نمی‌کنم، باشه؟ تأکید من هم همین است.

اما گرنز درست می‌گوید. تفسیر [این کتاب] بررسی شده، مفسران هم بررسی شده‌اند. ما قرار نیست با او موافق باشیم.

امیدوارم بتوانیم روی چهار نکته به توافق برسیم، یکدیگر را با عشق بپذیریم و به بحث‌ها ادامه دهیم، اما چه بتوانیم و چه نتوانیم، به نظر می‌رسد که این مواضع غیرقابل حل هستند. اما، گرنز می‌گوید که می‌توانیم از هر یک از مواضع نسل هزاره درس بگیریم. من موافقم.

می‌آموزیم که باید به کل کتاب مقدس، از جمله متون نبوی (Dispensationalism) از دیسپنسیشنالیسم آن، توجه کنیم. حال، پیامبران عمدتاً به معاصران خود خدمت می‌کردند، اما آنها از آینده نیز سخن می‌گفتند و ما باید با این موضوع کنار بیاییم. و در واقع، تفسیر و الهیات دیسپنسیشنالیسم بر هزاره‌گرایی ما تأثیر گذاشته است.

مثال رژه این است. آنتونی هوکما، در کتاب «کتاب مقدس در آینده»، اذعان می‌کند که میل‌های ما با تفسیر مداوم وعده‌های سرزمین عهد عتیق از نظر معنوی، اشتباه کرده‌اند. او می‌گوید نه، گاهی اوقات آن وعده‌های سرزمین از زمین جدید صحبت می‌کنند.

به نظر من، این یک امتیاز خوب و منطقی است که نه تنها بر اساس تفسیر انبیای عهد عتیق، بلکه بر اساس تفسیر همان انبیا در عهد جدید نیز می‌باشد. من همیشه از نگرش هوکما قدردانی می‌کنم، اما فکر می‌کنم این درست است. بنابراین، می‌توانیم از یکدیگر یاد بگیریم.

من یک پسا‌هزاره‌گرا نیستم، اما به شما می‌گویم: خوش‌بینی پسا‌هزاره‌ای که از انجیل ناشی می‌شود واقعاً خوب است. یعنی وقتی در مورد آن صحبت می‌کنند، هوای تعالیم کتاب مقدس را تنفس می‌کنند. بله، پسا‌هزاره‌گراها درست می‌گویند.

کتاب مقدس می‌گوید اوضاع از بد به بدتر خواهد رفت، باشه؟ و اگرچه ما در چارچوب زمانی خود محدود هستیم، و من بارها و بارها، طی دهه‌ها، از واعظان شنیده‌ام که این را می‌گویند، می‌دانید، این متن در اشعیا دقیقاً از وضعیت وحشتناک امروز ما صحبت می‌کند، مثل همین. می‌دانید، همه چیز همیشه در حال فروپاشی است، اما مطمئناً امروز، به نظر ما اوضاع واقعاً بد است، درست است؟ من فکر نمی‌کنم که ما دیدگاه خدا را داشته باشیم، و من موافقم، من موافقم، من فکر نمی‌کنم که ما دیدگاه خدا را در مورد آنچه او در کل جهان انجام می‌دهد، داشته باشیم. بنابراین، من هنوز دیدگاه خوش‌بینانه‌ای نسبت به انجیل دارم، اما با برخی از آن بدبینی پیش از هزاره در مورد فرهنگ و زوال آن موافقم.

من همچنین با اصل اصلاح‌شده‌ی تلاش برای نوسازی فرهنگ از طریق انجیل و غیره موافقم. به هر حال می‌توانیم از همه موقعیت‌ها درس بگیریم و امیدوارم همانطور که خدا ما را در مسیح پذیرفته است، یکدیگر را بپذیریم. رومیان ۱۵، و بهتر است برای تنوع، آن آیه را کنار بگذارم، ۱۵:۷. ربنوده شدن

من فقط می‌خواهم مواضع را ارائه دهم. می‌توانم بگویم که این کاملاً یک نگرانی پیشاهزاره‌ای است، درست است؟ سوال این است که آمدن عیسی با توجه به هزاره چه زمانی اتفاق می‌افتد؟ حال سوال این است که ما یک دیدگاه پیشاهزاره‌ای، حتی یک دیدگاه دوران‌ساز داریم، ما یک دیدگاه دوران‌ساز فرضی داریم. در این دیدگاه، ربنوده شدن قبل از دوران مصیبت، در میانه دوران مصیبت و در پایان دوران مصیبت وجود دارد.

زمان‌بندی ربنوده شدن کلیسا با اشاره به دوره مصیبت، دغدغه ویژه‌ای برای پیشاهزاره‌ای‌ها، حتی نه تنها دوره تدبیر، بلکه فرجام‌شناسی پیشاهزاره‌ای است. این موضوع با آموزه‌های تدبیرگرایان مبنی بر وجود دو مرحله برای آمدن دوم، به یک مسئله تبدیل می‌شود. ربنوده شدن کلیسا قبل از مصیبت، و آمدن دوم به زمین پس از مصیبت، و قبل از هزاره.

از آنجا که ناهزاره‌گرایی، ناهزاره‌گرایی، پساهزاره‌گرایی و پیشاهزاره‌گرایی تاریخی، در زنگ تفریح بعدی کلاس می‌خواهم آن ده بار را سریع به عقب بگویم. موافقید، پساهزاره‌گرایی، آسیاب‌ها، آسیاب‌های تاریخی، که آمدن دوم یک رویداد واحد است. آنها همچنین موافقت می‌کنند که ربنوده شدن پس از دوران مصیبت بزرگ رخ می‌دهد.

آیا عیسی برای کلیسایش می‌آید؟ بله. من متوجه هستم که ربنوده شدن معنای خاصی دارد، اما اگر صرفاً آمدن او برای کلیسایش را به عنوان ربنوده شدن در نظر بگیریم، همه آنها معتقدند که ربنوده شدن همزمان با آمدن به زمین است، اما، و پس از دوران مصیبت رخ می‌دهد. در مورد زمان ربنوده شدن در پیشاهزاره‌گرایی تدبیرگرا با اشاره به دوران مصیبت، سه موضع وجود دارد.

بهت. پیش از مصیبت ربنوده شدن، اواسط دوران مصیبت ربنوده شدن، پس از مصیبت بزرگ وجد و شعف. گفتم ما متکلمان از این جور چیزا لذت می‌بریم؟ این ما رو سر کار نگه می‌داره. تو به ما با این چیزا نیاز داری.

به هر حال، دیگه بسه فالدرول. برای هر کدومشون جایزه ویژه می‌گیرم. پری-ترب، جان والوورد، دوایت پنتکاست، بلیزینگ و باخ.

مید-ترب، جی. الیور باسول جونیور، اولین رئیس و استاد الهیات سیستماتیک، مرد بزرگ مسیحی در مدرسه الهیات کاوننت در سنت لوئیس. عروج پس از مصیبت، مشهورترین نماینده، جورج لاد. یکی دیگر از معاصران داگلاس مو.

کتابی به نام زوندروان وجود دارد که در آن سه دیدگاه، فکر می‌کنم سه دیدگاه، در مورد ربوده شدن وجود دارد. موو نماینده و طرفدار پیشاهزاره‌گرایی پس از دوران مصیبت است. من دوست دارم دیدگاه‌های او را در مورد برخی از این دیدگاه‌ها بدانم.

به هر حال، همین کافی است. قبل از ربوده شدن، اول از همه، کلیسا در طول دوران مصیبت غایب خواهد بود. من فقط می‌خواهم منابع را بخوانم، حتی به سراغش هم نمی‌روم.

متی ۲۴:۳۱، در مکاشفه ۴ تا ۱۹ هیچ اشاره‌ای به کلیسا نشده است. آیات ۷، ۴، ۷، ۹ را مقایسه کنید. بله، اما در مورد مقدسین صحبت می‌کند - هیچ اشاره‌ای به کلیسا نشده است.

هفت کلیسا در فصل‌های ۲ و ۳ آمده‌اند. در فصل ۲۲، روح و کلیسا می‌گویند، به سوی خداوند عیسی بیایید. آیا این درست نیست؟ وقتی کسی سخنرانی می‌کند یا فیلمبرداری می‌کند، نباید از این چیزها بگذرد. روح و عروس.

کلیسا، در مکاشفه ۴ تا ۱۹ نیامده است. ای وای، متی ۲۴:۳۱، ecclesia به هر حال، درست است. کلمه نمی‌توانم جلوی خودم را بگیرم.

به نظر من شبیه اونی هست که گرفته شده و اونی که جا مونده. نه، در موردش صحبتی نشده. باشه، خوبه، خوبه، خوبه، خوبه، خوبه.

دوم، پیش از ظهور، به کلیسا وعده داده شده است که از غضب آینده در امان خواهد ماند. اول تسالونیکیان مکاشفه ۳:۱۰. من فکر می‌کنم غضب در اول تسالونیکیان ۵:۹ به معنای جهنم است، اما اشکالی ندارد، ۵:۹.

سوم، ما باید بین آمدن مسیح در ابرها برای کلیسا (اول تسالونیکیان ۴:۱۵ تا ۱۷) و آمدن آن به زمین با کلیسا تمایز قائل شویم. چهارم، مسیح می‌تواند در هر زمانی برای کلیسای خود بیاید.

تیطوس ۲:۱۳، ما منتظر ظهور مبارک خداوند و نجات‌دهنده‌مان عیسی مسیح هستیم. ربوده شدن در میان قبایل، جی. الیور باسول جونور. باید افراد دیگری هم باشند، نمی‌دانم. کلیسا بخشی از مصیبت را تجربه خواهد کرد، اما ربوده خواهد شد و از بدترین آن در امان خواهد ماند.

ما باید بین مصیبت و غضب تمایز قائل شویم. کلیسا اولی را تجربه خواهد کرد و از دومی در امان خواهد ماند. خیلی خنده‌دار است، من دوستان خوبی دارم، و برخی، این مربوط به سال‌ها پیش است، یک مرد فوق‌العاده و همسرش.

یه جورایی، این موضوع پیش اومد. اوه، من گفتم، ما فقط، ما به چیزی که کتاب مقدس میگه ایمان داریم، و منظورم یه آدم عاقل و بالغ نبود. گفتم، اون چیه؟ البته، ربوده شدن در اواسط مصیبت.

من با او بحث نکردم. این فقط نشان می‌دهد، مرد، می‌توانی نتیجه‌گیری خودت را فرض کنی، و همه چیز روشن می‌شود. دو، جام‌های خشم خدا، مکاشفه، در کتاب مکاشفه، جام‌های خشم خدا پس از مصیبت آن روزها ریخته خواهد شد.

هماهنگی کتاب مکاشفه با متی ۲۴:۲۹. سوم، ربوده شدن در زمان نواختن شیپور هفتم رخ خواهد داد. مکاشفه ۱۱:۱۵ در این الهیات با اول تسالونیکیان ۴:۱۶ مرتبط است.

دوستم گفت، بدیهی است که در مورد یک چیز صحبت می‌کند. من مطمئن نبودم، و بحث در مورد آن آموزنده نبود، و آنها بیشتر از من به آن علاقه داشتند. رپوده شدن با نواختن شیپور هفتم اتفاق خواهد افتاد.

مکاشفه ۱۱:۱۵، اول تسالونیکیان ۴:۶ را مقایسه کنید. رپوده شدن پس از مصیبت. من جورج لاد را به خاطر انجام کارهای نیک بسیار ستایش می‌کنم.

آموزش پادشاهی خدا به معنای حکومت خداست، نه فقط حکومت او بر یک پادشاهی زمینی، که لاد به آن اعتقاد داشت، بلکه حکومت و سلطنت خداست. این در عهد عتیق رخ می‌دهد، و عیسی می‌آید، پادشاهی را موعظه می‌کند، پادشاهی را گسترش می‌دهد و غیره. ما در مقدمه خود بر آخرت‌شناسی، بین پادشاهی در عهد جدید و پادشاهی در عهد جدید تمایز قائل شدیم.

این امر در دوران رسالت زمینی عیسی از طریق معجزات، جن‌گیری‌ها و پیام‌ها آغاز شد. با نزول روح او در پنطیکاست گسترش یافت و تنها در بازگشت او به کمال خواهد رسید. پیشاهزاره‌گرایی پس از مصیبت.

بنابراین، همه اینها، پیشاهزاره‌گرایی قبل از مصیبت بزرگ، پیشاهزاره‌گرایی دوران میانه مصیبت بزرگ، و پیشاهزاره‌گرایی دوران پس از مصیبت بزرگ است. دوباره، لبخند می‌زنم و چک حقوقم را دریافت می‌کنم. کلیسا در دوران مصیبت بزرگ حضور خواهد داشت، اگرچه خدا از آن محافظت خواهد کرد و از خشم او در امان خواهد ماند.

لاد می‌گوید، نگاه کنید، به کتاب مقدس نگاه کنید. خدا قوم خود را از جهان نمی‌برد. او در بحبوحه داوری‌های وحشتناک از آنها مراقبت می‌کند.

آمدن دوم مسیح یک رویداد واحد است. اول تسالونیکیان ۴:۱۳، و پس از متن رپوده شدن، بخشی از اول تسالونیکیان ۴:۱۳ تا ۵:۱۱ است. این یکی است. تقسیم‌بندی‌های باب‌ها الهامی نیستند، و این یک آمدن است که در آن خداوند برای قوم خود برکت می‌آورد، و برای کافران آرامش، آسودگی و داوری به ارمغان می‌آورد.

آه، معنی «آپونتسیس» در اول تسالونیکیان ۴:۱۷ به این اشاره دارد که کلیسا در پایان دوران مصیبت بزرگ برای ملاقات با مسیح بالا برده می‌شود. بلافاصله پس از آن، کلیسا پیروزمندانه با او به زمین فرود خواهد آمد. متی ۲۵:۶ و اعمال رسولان ۲۸:۱۵ و ۱۶ را مقایسه کنید.

متی ۲۵:۶ و اعمال رسولان ۲۸:۱۵ و ۱۶ را با هم مقایسه کنید. موضوع بعدی ما رستاخیز بدن است. در واقع، برخی از مقدمات را قبلاً آموزش داده‌ایم، اما الهیات سیستماتیک، عمدتاً چیزهایی را که از قبل می‌دانیم، گرد هم می‌آورد.

آنها را سازماندهی می‌کند. آیا این خطرناک نیست؟ بله. اگر این کار را به اشتباه انجام دهد، می‌تواند چیزها را تحریف کند، اما اگر این کار را با تفسیر و دقت، با توجه به داستان آشکار خدا انجام دهد، این الهیات کتاب مقدس است، حتی در تفسیر نیز کمک بزرگی است.

زمان رستاخیز در پایان عصر است، یوحنا ۶:۳۹، ۴۰، ۴۴، ۵۴. عیسی بارها و بارها این را می‌گوید. این سخنرانی او در مورد نان حیات است.

روز آخر، این اصطلاح است. اصطلاح یوحنا این است، این اراده‌ی فرستنده‌ی من است، یوحنا ۶:۳۹، فقط با خواندن اولین آیه، اولین اشاره، که من هیچ چیز از آنچه او به من داده است را از دست ندهم، بلکه آن را در روز آخر برخیزانم. در پایان عصر است که رستاخیز رخ می‌دهد.

وقتی اختلاف نظر پیش بیاید، به شما خواهم گفت. این اتفاق در راه است. رستاخیز بدن مؤمنان و کافران، در واقع، اگرچه کتاب مقدس بیشتر از اولی صحبت می‌کند تا دومی، اما همانطور که خواهیم دید، از دومی صحبت می‌کند، پس از آمدن دوم مسیح رخ می‌دهد.

اول قرن‌تین ۱۵:۲۳، همانطور که در آدم، در مسیح نیز همه زنده خواهند شد، اما هر کس به ترتیب خود مسیح نوبر، عیسی به عنوان نوبر برداشت آخرالزمانی آینده قیام کرد، بنابراین رستاخیز او تا حدودی رستاخیز است. برداشتی هنوز کامل نشده است.

هر کدام به ترتیب خود، مسیح نوبر، و سپس در زمان آمدن او، کسانی که به مسیح تعلق دارند. این به طور واضح آموزش می‌دهد که در زمان آمدن مسیح، رستاخیز رخ خواهد داد. و اول تسالونیکیان ۴:۱۶ نیز همین را می‌گوید.

مؤمنان مرده از نعمت‌ها محروم نخواهند شد. پولس تعلیم می‌دهد که آنها از بُعد آینده پادشاهی و برکت مرتبط با آن محروم نخواهند شد. زیرا خود خداوند با فریاد فرمان، با صدای فرشته مقرب و با صدای شیپور از آسمان نازل خواهد شد و مردگان در مسیح ابتدا قیام خواهند کرد.

قبل از اینکه ایمانداران نزد خداوند بروند، مردگان زنده می‌شوند، ایمانداران مرده زنده می‌شوند. رستاخیز بدن زمان‌بندی، در پایان عصر، پس از دومین ظهور مسیح. در اینجا بحثی مطرح می‌شود، در یک مرحله، دو مرحله یا سه مرحله.

یک مرحله، ناهزاره‌گرایی و پساهزاره‌گرایی. یک رستاخیز عمومی. پیش‌آسیب‌های تاریخی، دو رستاخیز، مکاشفه ۲۰.

یکی قبل از هزاره، یکی بعد از هزاره. نظریه تدبیرگرایی، سه رستاخیز. یکی درست قبل از ربوده شدن، یکی قبل از هزاره، یکی در پایان، در پایان.

کافران باید زنده شوند تا بتوانند در برابر داوری نهایی حاضر شوند. دامنه رستاخیز، جهانی. دانیال ۱۲:۲. گاهی اوقات تفسیر با الهیات من در تضاد است.

دارم شوخی می‌کنم. در آن زمان، میکائیل، شاهزاده بزرگ، که فرشته مقرب میکائیل است و مسئول قوم تو می‌باشد، ظهور خواهد کرد. و چنان دوران سختی فرا خواهد رسید که از زمانی که ملتی تا آن زمان وجود داشته، پی‌سابقه بوده است.

عیسی این سخنان را در متی ۲۴، در مورد به اصطلاح مصیبت بزرگ، که غیر از پساهزاره‌گرایی، هنوز در آینده است، نقل می‌کند. اما در آن زمان، قوم تو نجات خواهند یافت. هر کسی که نامش در دفتر نوشته شده باشد.

و بسیاری از کسانی که در خاک زمین خفته‌اند، بیدار خواهند شد. برخی برای حیات جاودان، تنها موردی که دقیقاً همین عبارت در عهد عتیق آمده است. این ایده در جاهای دیگر نیز آمده است.

بسیاری از کسانی که خوابیده‌اند، یعنی کسانی که در خاک زمین مرده‌اند، بیدار خواهند شد. برخی برای حیات جاودان، برخی برای شرم و حقارت جاودان. بعداً خواهیم گفت که این دو سرنوشت جاودان، از قبل در عهد عتیق ذکر شده‌اند.

رستاخیز برای حیات جاودان. رستاخیز برای شرم و تحقیر ابدی. آیا این بدان معناست که پس از نابودی آنها، تحقیر ادامه دارد؟ من اینطور فکر نمی‌کنم.

این یک خوانش عادی از این متن نیست. و کسانی که خردمندند، مانند روشنایی آسمان بالا خواهند درخشید. و کسانی که بسیاری را به سوی عدالت هدایت می‌کنند، مانند ستارگان، تا ابدالآباد.

عیسی در برخی از تمثیل‌های پادشاهی در متی ۱۳ به آن امر اشاره می‌کند، که مانند ستارگان می‌درخشند. چرا این پیام را در الهیات خود گفتم؟ به نظر می‌رسد که به طور خاص در مورد بسیاری از کسانی که خوابیده‌اند و دوباره زنده می‌شوند صحبت می‌کند. کلمه بسیاری به معنای نه همه، بلکه همیشه نیست.

اما به نظر می‌رسد که این یک مفهوم زمینه‌ای در مورد مقابله با مصیبت بزرگ به ویژه باشد. اما من این را می‌پذیرم، اذعان می‌کنم که، همانطور که فکر می‌کنم در جهنم در محاکمه، شاید دو دیدگاه از جهنم، نمایانگر رستاخیز عمومی باشد. کلیسا این را از نظر تاریخی به عنوان مقدمه‌ای بر رستاخیز عمومی در عهد عتیق در نظر گرفته است.

یوحنا ۵ به روشنی ناقوس است. عیسی پس از صحبت در مورد رستاخیز روحانی، در آیات ۲۴ و ۲۵، در آیات ۲۹ و ۲۸ می‌گوید، از این تعجب نکنید. ساعتی فرا می‌رسد ۲۸.

یوحنا با استفاده از اصطلاحات، بین «از قبل» و «هنوز نه» تمایز قائل می‌شود. از قبل «اینگونه است. آن ساعت، یک ساعت، در حال آمدن است و اکنون، از قبل فرا رسیده است.

یک ساعت دارد می‌آید و حالا اینجاست. بعضی وقت‌ها می‌گوید، یک ساعت دارد می‌آید. زیباست.

او بین «از قبل» و «نه هنوز» تمایز قائل می‌شود. نه همیشه، اما گاهی اوقات دقیقاً با همین اصطلاحات. از این تعجب نکنید.

ساعتی فرا می‌رسد. در آیه ۲۵، همین جا. از این تعجب نکنید.

به راستی، به راستی به شما می‌گویم، ساعتی فرا می‌رسد و اکنون فرا رسیده است. هنگامی که مردگان صدای پسر خدا را بشنوند، کسانی که اینجا هستند زنده خواهند شد. با توجه به آیه قبل از آن، او درباره رستاخیز روحانی صحبت می‌کند.

مردم با شنیدن موعظه‌های عیسی به وجد می‌آیند؛ آنها به پدر ایمان می‌آورند زیرا او پدر را اینگونه آشکار می‌کند. عیسی موعظه می‌کند که آنها به پدر ایمان دارند و عیسی آنها را از مرگ به زندگی منتقل می‌کند. آن ساعت فرا رسیده است.

پیشگویی‌های عهد عتیق همین الان هم به وقوع پیوسته‌اند. آه، اما هنوز به طور کامل محقق نشده‌اند. اتفاقات بیشتری در راه است.

از این تعجب نکنید، زیرا ساعتی فرا می‌رسد. آن ساعت اینجا نیست. در آن ساعت، همه کسانی که در قبرها هستند، بیرون خواهند آمد، صدای او را خواهند شنید و بیرون خواهند آمد.

کسانی که نیکی کرده‌اند به رستخیز حیات، و کسانی که بدی کرده‌اند به رستخیز داوری. نکته‌ی من الان این است که می‌دانم کسانی که نیکی کرده‌اند شما را لغزش می‌دهند، اما فعلاً، رستخیز عمومی، درست است؟ رستخیز حیات، رستخیز داوری. در مورد کسانی که بدی کرده‌اند چه؟ مشکلی نیست.

در مورد کسانی که کارهای نیک انجام داده‌اند چطور؟ من فکر می‌کردم ما به واسطه‌ی فیض و از طریق ایمان نجات یافته‌ایم. رستگاری از ابتدا تا انتهای کتاب مقدس، همانطور که داستان پیش می‌رود، آشکار می‌شود که تنها از طریق فیض و از طریق ایمان است. تنها در خدا، در عهد جدید، تنها در مسیح.

کسانی که کار نیک انجام داده‌اند، در مورد آن فکر کنند، و ما بعداً در داوری نهایی به این موضوع خواهیم پرداخت. مبنای داوری در کتاب مقدس چیست؟ به طور مداوم، بر اساس اعمال است. من همیشه این را آموزش نمی‌دادم.

من شروع به تبدیل شدن به یک استاد جهنم کردم و جهنم را مطالعه می‌کردم. تقریباً در هر متنی این موضوع وجود دارد. هرگز با آن مخالفت نشده است.

منظورت چیست؟ مگر داوری بر اساس ایمان نیست؟ یعقوب ۲ به من کمک می‌کند. ایمان خود را بدون اعمال به من نشان بده، و من ایمانم را از طریق اعمال به تو نشان خواهم داد. مورد اول غیرممکن است.

چگونه می‌توان بدون مدرک، ایمان را نشان داد؟ اگر مطالعه کاملی انجام دهم، آنچه در داوری نهایی آشکار می‌شود، افکار، گفتار و کردار است، به ویژه کردار. ارگا، کلمه یونانی اعمال یا کردار، در آیات مختلف آمده است. همانطور که ممکن است تصور کنید، پایه و اساس در مزامیر عهد عتیق است.

عیسی این را در خدمت خود نقل می‌کند. حواریون. متن بزرگ آخرین داوری، مکاشفه ۲۰ است.

مردگان بر اساس اعمالشان داوری شدند. اعمال، افکار، گفتار و کردار، وجود یا عدم وجود ایمان را آشکار می‌کنند. در هر صورت، هرمان ریدربوس، این کتاب مورد علاقه من در مورد پولس است.

قدیمیه، اما خیلی خوبه. اون منو با حالت خبری و امری آشنا کرد. تو از قبل توی «هنوز نه» هستی.

او گفت که هلندی است، اما این را نگفت، اما آمریکایی‌ها کتاب مقدس را به صورت فردگرایانه می‌خوانند. او این را نگفت. من این را همانطور که وقتی او می‌گوید تفکر پولس جمعی است، می‌گویم.

حق با اوست. کل اندیشه کتاب مقدس جمعی است. اول از همه، البته، فردی است.

به هر حال، ریدرباس من را شگفت‌زده کرد. او فصلی با عنوان «داوری بر اساس اعمال» دارد. ما الهیات خود را در کتاب مقدس نمی‌خوانیم.

ما الهیات خود را از کتاب مقدس می‌خوانیم. به آن الهیات تفسیری می‌گویند. آیا این با رستگاری از طریق فیض از طریق ایمان در تضاد است؟ اینطور نیست.

این رستگاری نیست. این داوری است. داوری بر اساس اعمال مردم است و نشان می‌دهد که آیا آنها از طریق ایمان و به لطف الهی نجات یافته‌اند یا خیر.

به هر حال، نکته‌ی من اینجا یوحنا ۵:۲۸، ۲۹ است. یک رستاخیز عمومی وجود دارد. این رستاخیز عمومی رستاخیز عمومی نجات‌یافتگان و گم‌شدگان را تعلیم می‌دهد.

و اعمال رسولان ۲۴. پولس در مخلصه است و او یک برگ برنده بیرون می‌کشد تا گروه‌های یهودی را علیه فریسیان و صدوقیان تفرقه بیندازد. او، او این بار یک شیطان حيله‌گر است.

البته دارم به صورت مجازی صحبت می‌کنم. اعمال رسولان ۲۴، ۱۵. او در قیصریه پیش فلیکس است.

هوا داره گرم میشه. دشمنانش واقعاً از او متنفرند و میخوان اونو از سر راه بردارن. اما اعمال رسولان ۱۴:۲۴.

اما این چیزی که به شما اعتراف می‌کنم، طبق روشی است که در کتاب اعمال رسولان آمده است، این یک روش است. این روشی است برای صحبت در مورد مؤمنان و سبک زندگی آنها. این یکی از راه‌هایی است که من گیر کرده‌ام.

این یکی از روش‌هایی است که لوقا به کار می‌برد. این بخشی از واژگانی است که او برای صحبت در مورد ایمان مسیحی در عمل به کار می‌برد. طبق روشی که آنها فرقه می‌نامند، من خدای پدرانمان را می‌پرستم و به هر آنچه در شریعت آمده و در پیامبران نوشته شده است، ایمان دارم.

تا اینجا که خوب بوده. به خدا امید داشتن، که خود این مردها هم قبولش دارن. حالا نوبت به چیز دیگه‌ست.

اینکه رستاخیزی برای عادلان و ظالمان وجود خواهد داشت. صدوقیان. این آنها را به وجد می‌آورد.

او عمداً منقار آنها را کج می‌کند، ریش آنها را می‌کشد تا بین مدعیانش نزاع ایجاد کند. به هر حال. مکاشفه ۲۰:۱۱، ۱۵.

عموماً این اصطلاح برای صحبت در مورد رستاخیز همه افراد به کار می‌رود. چه گم‌شدگان و چه نجات‌یافتگان. من معتقدم که همه دیدگاه‌های آخرالزمانی با این موضوع موافق خواهند بود.

در سخنرانی بعدی‌مان، درباره موضوع جذاب و مهم مربوط به ماهیت بدن رستاخیز یافته بحث خواهیم کرد.

این سخنرانی دکتر رابرت ای. پترسون در آموزه‌هایش در مورد آموزه‌های کلیسا و آخرالزمان است. این جلسه هزاره، مکاشفه ۲۰: ۴-۶، پیشاهزاره‌گرایی تدبیرگرایانه، و سه موضع ربوده شدن است، ۱۷.